

اصول حاکم بر استخدام وسیله در سیره سیاسی امام علی علیه السلام

علیرضا برادران افتخاری*
سید علیرضا واسعی**
نعمت‌الله صفری فروشانی***
یدالله حاجی‌زاده****

چکیده

سخن از «هدف و وسیله» و کیفیت‌گزینش وسیله از بین وسایل و ابزارهای موثر در تحقق هدف، یکی از پرچالش‌ترین موضوعات در عرصه‌های مدیریتی و مخصوصاً سیاسی و حکومتی است و از دیرباز نظریات متعددی را به خود اختصاص داده است. این مسئله مخصوصاً در تراجم‌ها، که وسایل نامشروع و غیر اخلاقی خودنمایی بیشتری دارد اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند چرا که در ظاهر، کم‌هزینه‌ترین و سریع‌ترین وسایل رساننده به اهداف به شمار می‌آیند. بررسی سیره سیاسی امام علی علیه السلام در چرایی انتخاب برخی از وسایل، از میان دیگر وسایل در معرض انتخاب، و دریافت چرایی عدم انتخاب دیگر وسایل، ما را به وجود اصول و معیارهایی خاص در «کیفیت استخدام وسیله» رهنمون می‌شود. در این پژوهش که با روش توصیفی - تحلیلی و با بررسی کتب تاریخی و حدیثی سامان یافته، چهار اصل از سیره سیاسی امام علی علیه السلام در کیفیت استخدام وسیله استخراج شده که عبارتند از: اصل اخلاق محوری، اصل شریعت‌مداری، اصل مصلحت‌سنجی و اصل اولویت‌دهی.

واژگان کلیدی

استخدام وسیله، اهداف حکومت اسلامی، سیره سیاسی امام علی علیه السلام، اصول حاکم بر استخدام وسیله.

* دانشجوی دکتری مدرس تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی دانشگاه معارف اسلامی (نویسنده مسئول).
alieftekhari31@gmail.com
vaseiali@yahoo.com
** دانشیار گروه هنر و تمدن اسلامی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
*** استاد مجتبع آموزش عالی تاریخ سیره و تمدن اسلامی، وابسته به جامعه المصطفی العالمیه.
nematalah_safarifroshani@miu.ac.ir
**** استادیار گروه فرهنگ و تمدن پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و مدرس دروس معارف اسلامی.
hajizadeh30@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۳
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۴/۶

طرح مسئله

به تناسب تفاوت «اهداف» حکومت‌ها و تفاوت باورهای راهبران آنها، «ابزارها و وسایل» گزینش شده در وصول به آن اهداف می‌تواند متفاوت باشد. وسیله - که عبارتست از هر چیزی که بتواند در راه تحقق بخشیدن به هدف موثر باشد - گاه می‌تواند غیر مشروع، غیر اخلاقی یا حتی خارج از منطق و یا عرف باشد. این علاوه بر آن است که سریع‌ترین و کم‌هزینه‌ترین وسایل همیشه مورد توجه و انتخاب سیاستمداران بوده است.

گاه فراوانی اهمیت هدف، یا تعجیل در رسیدن به آن، چشم‌پوشی از ضد ارزشی بودن وسیله گزینش شده را از سوی برخی سیاستمداران به دنبال داشته، و گاه همین دلایل، انتخاب وسیله خارج از اقتضائات زمانی و مکانی، و حتی وسیله غیر منطقی را ممکن است موجب گردد. در مقابل این نگاه که فقط به هدف چشم اندوخته و با هر وسیله‌ای تحقق آن را دنبال می‌کند، نگاه صرفاً آرمان‌گرا، بدون توجه به واقعیت‌های موجود، موقعیت‌های مختلف دستیابی به هدف را از دست می‌دهد و از ابزارهای قابل استفاده غافل می‌ماند.

به نظر می‌رسد گزینش وسیله در مسیر دستیابی به اهداف حکومت اسلامی باید بر اساس اصول و معیارهایی صحیح صورت گیرد. یکی از راه‌های دستیابی به چگونگی انتخاب وسایل و ابزارها در وصول به اهداف سیاسی، توجه به سیره امام علی علیه السلام به عنوان امام شیعیان، خلیفه مسلمین و صحابی برتر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. به نظر می‌رسد با رصد ابزارهای گزینش شده از جانب امام در موقعیت‌های مختلف و تکرار این انتخاب‌ها در موارد مشابه و نیز لیست کردن و بررسی سایر وسایلی که به نظر می‌توانست در معرض انتخاب امام قرار گیرد، اما مورد استفاده ایشان نبوده، می‌توان اصولی خاص را در سیره امام در کیفیت استخدام وسیله استخراج کرد. بنابراین بررسی رفتارها، کنش‌ها، واکنش‌ها و حتی ترک فعل‌های امام و دستیابی به چرایی انتخاب یک وسیله از میان دیگر وسایل موجود، ما را به این اصول رهنمون می‌شود. استفاده از گفتار خود امام علیه السلام یا دیگران در چرایی گزینش یک وسیله و یا ترک وسایل دیگر؛ و یا تحلیل صحیح آن انتخاب با توجه به قرائن و شواهد موجود، دستیابی به این اصول را آسان‌تر خواهد ساخت. بنابراین برای اصل‌یابی هم جنبه اثباتی وسیله‌گزینی امام مورد توجه است (یعنی وسیله‌ای که نهایتاً منتخب امام بوده و آن را برای وصول به هدف سیاسی به کار گرفته و چرایی آن انتخاب) و هم جنبه سلبی (یعنی وسایلی که پیش‌روی ایشان بوده، اما مورد استفاده قرار نگرفته؛ و پرداختن به چرایی عدم انتخاب آنها) لذا فرضیه ما در این تحقیق آن است که استخدام وسیله از سوی امام در وصول به اهداف سیاسی‌اش، بر اساس چارچوب‌ها و اصولی خاص بوده است.

دستیابی به این اصول، نحوه گزینش وسیله از سوی کارگزاران حکومت اسلامی خصوصاً در موقعیت تزاخم را نشان می‌دهد. علاوه بر اینکه در بُعد نظری، می‌تواند پاسخی در برابر شبهه عدم آشنایی امام با سیاست؛ اتهام عدم وحدت رویه سیاسی و نیز شائبه عدم واقع‌گرایی ایشان باشد. دلیل تمرکز بر سیره سیاسی امام در این مجال، نمود بیشتر یافتن مدیریت سیاسی و نیز حکومتی ایشان در منابع است که اهمیتی بالاتر از سایر حوزه‌ها را از خود نشان می‌دهد و البته می‌تواند بیان‌گر همین اصول در دیگر حوزه‌های سیره‌ای امام علیه السلام باشد هر چند در بحث حاضر به جهت تناسب و ارتباط تنگاتنگ امور نظامی با امور سیاسی، به مصادیق سیره نظامی هم توجه داده شده است.

پیشینه

مطالعات و آثار انجام یافته پیرامون موضوع مقاله را می‌توان در دو بخش جای داد. بخشی از آثار به معرفی برخی از اصول سیاسی و اخلاقی پیرامون سیره سیاسی و نظامی امام علی علیه السلام، پرداخته است. مانند کتاب‌های جمال دولت محمود و رخساره خورشید از مصطفی دلشاد تهرانی، موسوعه امام علی علیه السلام از محمد محمدی ری‌شهری که به ذکر سیاست‌های اداری، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، قضایی، امنیتی، نظامی و بین‌المللی امام علیه السلام پرداخته است. کتاب اندیشه سیاسی در گفتمان علوی علیه السلام تألیف جمعی از نویسندگان نیز مباحثی همچون اصول و مبانی سیاست، آزادی، مدارا و خشونت، مصلحت‌سنجی و ... را از دیدگاه امام علیه السلام مورد بررسی قرار داده است. کتاب‌های سیاست نظامی امام علی علیه السلام اثر اصغر قائدان، سیره نظامی امیرالمؤمنین علیه السلام از یدالله حاجی‌زاده و سیره مدیریتی امام علی علیه السلام از محسن عباس‌زاده و همچنین مقالاتی از جمله «اخلاق نظامی در مکتب علوی و اندیشه ماکیاولی» از یدالله حاجی‌زاده، «تبیین مؤلفه‌های سیاست اخلاقی امام علی علیه السلام پس از رسیدن به امامت و حکومت» از فاطمه سلطان محمدی و حسین سلطان محمدی و مقاله «اصول و مبانی اخلاقی در سیاست عملی امام علی علیه السلام» اثر علی‌اکبر علیخانی و «نظارت سیاسی بر قدرت در اندیشه علوی» از محمدجواد ارسطا و زهرا عامری در این بخش‌اند. این آثار علاوه بر عدم تحلیلی بودن؛ اولاً هیچ ورود مستقیمی به موضوع بحث یعنی «کیفیت استخدام وسیله» نداشته است؛ ثانیاً در برخی از این آثار از واژه «اصول» سخن گفته شده اما در واقع به «مبانی» پرداخته شده و به اشتباه مباحث نظری و اعتقادی بنیادین که در حوزه «هست‌ها و نیست‌ها» می‌گنجد را وارد بحث سیره‌ای که به «بایدها و نبایدها» می‌پردازد، کرده‌اند. بخش دوم، آثاری‌اند که توجه‌شان بر بحث «استخدام وسیله» یا همان «هدف و وسیله» است که البته تعدادشان انگشت‌شمار است. بعضی از این آثار از منظر فقهی بحث هدف و وسیله را پی گرفته‌اند.

حسن صادقیان با نگارش دو مقاله با عناوین «تحلیل رفتار واقع‌گرایانه در سیره علوی علیه السلام» و «تطبیق سیاست آرمانی امیرمؤمنان علیه السلام بر ضوابط فقهی» به توجیه برخی از رفتارهای امام علیه السلام، بر اساس قواعد فقهی پرداخته است. همو در مقاله «تزامم هدف و وسیله در حکومت اسلامی» به شروط پنج‌گانه‌ای که حکومت اسلامی را مجاز به استفاده از وسیله حرام برای رسیدن به اهداف مقدس می‌نماید اشاره کرده است. با این حال رویکرد اصلی این مقالات، «اصل‌سازی در کیفیت استخدام وسیله» بر اساس سیره امام نبوده است.

دسته دوم با رویکرد تاریخی و با ذکر مصادیق رفتاری امام علی علیه السلام بر مشروع بودن یا نبودن برخی از ابزارها در دستیابی به اهداف حکومتی ایشان استناد جسته‌اند. کتاب *پایبندی به کیفیت استخدام وسیله* از مصطفی دلشاد تهرانی، و *سیری در سیره نبوی* از مرتضی مطهری و مقالاتی همچون «قداست در هدف و وسیله از مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه اسلامی» از علیرضا کرمی، «هدف و وسیله» از احمد مبلغی و «اهداف و آرمان‌های حکومت» اثر محمد سروش از این دسته‌اند. همچنین مقالاتی همچون «تأملی بر مسئله امنیت و ابزارهای ایجاد آن در عصر امام علی علیه السلام» از مریم معینی‌نیا و «انجام خدعه و ترک غدر در سیره نظامی امام علی علیه السلام» از یدالله حاجی‌زاده نیز به صورت مصداقی به این موضوع ورود داشته‌اند. اما هیچ‌کدام از این آثار به دنبال اصل‌سازی درباره کیفیت استخدام وسیله از سوی امام علی علیه السلام نبوده‌اند. در این تحقیق علاوه بر استخراج برخی از اصول در کیفیت استخدام وسیله آن هم بر اساس سیره امام، عوامل موثر بر گزینش وسیله‌ای خاص از سوی امام علیه السلام و دلیل عدم‌توجه به برخی از ابزارهای دیگر توضیح داده شده است.

تبیین مفاهیم کلیدی

۱. هدف

واژه «هدف» در معانی مختلفی از جمله؛ هر جایگاه بلندی از ساختمان یا تپه یا کوه، نشانه و سیل تیراندازی، نهایت و مقصد و ... به کار رفته است.^۱ و در اصطلاح «هدف آن امری است که شخص قبل از عمل، آن را در نظر می‌گیرد و نیروی خویش و وسایل لازم را برای وصول به آن به کار می‌برد و غرضش دستیابی و رسیدن به آن است».^۲ هدف باید واضح و مشخص، واقع‌بینانه و دست‌یافتنی، قابل‌فهم و سودمند، قابل‌اجرا و اندازه‌گیری، همسو با ارزش‌ها و متناسب با منابع و امکانات باشد. اهداف اقسامی دارد از جمله

۱. زبیدی، *تاج العروس*، ج ۱۲، ص ۵۳۶؛ فراهیدی، *کتاب العین*، ج ۴، ص ۲۸؛ الفیومی، *مصباح المنیر*، ج ۲، ص ۶۳۵؛ طریحی، *مجمع البحرین*، ج ۵، ص ۱۳۲.
 ۲. مصباح، *آموزش فلسفه*، ج ۲، ص ۴۳۰.

اهداف مادی و معنوی؛ اهداف حداقلی و حداکثری؛ اهداف فردی و گروهی؛ اهداف بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت؛ و ... در اینجا به تناسب بحث به تعریف هدف نهایی و میانی می‌پردازیم: «گاه یک کار ممکن است چند هدف در طول یکدیگر داشته باشد و هدف نزدیک، وسیله‌ای برای هدف دوم باشد و همچنین تا برسد به هدف نهایی»^۱. بنابراین هدف نهایی همان هدفی است که خود دارای مطلوبیت ذاتی است و تحت هیچ شرایطی از آن عدول نمی‌شود در مقابل، اهداف میانی اهدافی‌اند که با وجود اهمیت‌شان، زمینه‌ساز و وسیله دستیابی به هدف نهایی‌اند که هر چند دارای اهمیت و مراتب هستند اما از مطلوبیت ذاتی برخوردار نیستند و چه‌بسا تابع ضرورت‌ها یا مصالحی به‌طور موقت کنار گذارده شوند.

۲. وسیله

واژه «وسیله» در معانی مختلفی همچون واسطه، روش، ابزار، درجه و رتبه، چاره‌جویی برای رسیدن به چیزی با میل و رغبت و هر چیزی که به سبب آن نزدیک شدن به دیگری ممکن باشد، به کار رفته است.^۲ بنابراین می‌توان این‌گونه آن را تعریف کرد که: وسیله عبارتست از هر چیزی که بتواند در راه تحقق بخشیدن به هدف موثر باشد و از همین جهت هم به آن رغبت و تمایل شده است. بنابراین رغبت به آن آلی و استخدامی است، برخلاف هدف که توجه و اشتیاق به آن استقلال و به‌دلیل مطلوبیت ذاتی آن است.^۳

وسیله مطلوب، کم‌هزینه‌ترین و سریع‌ترین وسیله به هدف است؛ همچنین گزینش آن بر اساس منطق و اقتضائات موجود است. علاوه بر آنکه از منظر دینی باید ارزشی و در چارچوبه باید و نبایدهای دین باشد. بر این اساس می‌توان گفت وسیله انواعی دارد از جمله مشروع و غیر مشروع، اخلاقی و غیر اخلاقی، منطقی و غیر منطقی و ... که تنها برخی از آنها در حکومت اسلامی قابلیت استفاده را دارد.

۳. اصل

واژه «اصل» جمعش أُصُول و به‌معنای «اسفل الشی» یعنی پایین‌ترین قسمت هر چیزی آمده است که در اثر کثرت استعمال به‌معنای پایه و بن هر چیز، منشایی که شیء از آن رشد یافته و ... به‌کارگیری شده است.^۴ «اصل» ماهیتی دستوری دارد و ناظر بر چگونگی وصول به اهداف است.^۵ در تحقیق حاضر

۱. همان، ص ۱۳۸.

۲. زبیدی، *تاج العروس*، ج ۱۵، ص ۷۷۴؛ فیروزآبادی، *القاموس المحيط*، ج ۳، ص ۶۳۴؛ ابن‌منظور، *لسان العرب*، ج ۱۱، ص ۷۲۴؛ عسکری، *فروق فی اللغة*، ص ۲۹۷.

۳. برگرفته از جعفری، *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، ج ۱، ص ۸۰.

۴. الفیومی، *المصباح المنیر*، ج ۲، ص ۱۶؛ زبیدی، *تاج العروس*، ج ۱۴، ص ۱۸؛ ابن‌منظور، *لسان العرب*؛ فیروزآبادی، *القاموس المحيط*، ج ۳، ص ۴۴۸؛ راغب اصفهانی، *مفردات الفاظ قرآن*، ص ۷۸.

۵. ر. ک: وائقی، *مدیریت اسلامی*، ص ۵۷ - ۵۳.

مراد از واژه «اصول»، همان قواعد و قوانین و پایه‌هایی است که همه روش‌ها، کنش‌ها، گویش‌ها، روابط، تصمیمات، و دیگر مناسبات در وصول به اهداف، باید بر اساس آن باشد. به همین جهت می‌گوییم ابزارها بر اساس اصول، انتخاب و تعیین می‌شوند.

اصول استخراج شده از سیره سیاسی امام علی علیه السلام در استخدام وسیله

آنچه امام در تبیین اهداف خود چه در کلان و چه در حوزه‌های نیمه‌کلان مطرح ساخته گویای نظامی منسجم و یکپارچه و رو به هدفی واحد است؛ که هر نوع وسیله‌ای نمی‌تواند رساننده به آن اهداف باشد. علی علیه السلام اهداف مختلف خود از جمله اهداف حکومتی را در راستای دستیابی به اهداف رسالت مشخص نموده بود. امام علیه السلام علاوه بر توجه دادن به بنده خدا بودن (توحید و عبودیت)، انتظام اقتصادی جامعه، تأمین سعادت مادی و معنوی و توجه به رشد و بالندگی مردم و اصلاح و تربیت آنها، احیا و اقامه حق و دفع باطل، تحقق عدالت، تأمین امنیت، تحقق وحدت امت در پرتو حکومت رهبری الهی، تأمین رفاه عمومی، نفی خشونت و خودکامگی، حفظ کرامت انسانی و یاری مظلومان و محرومان را به عنوان اهداف حکومت اسلامی مطرح نموده است.^۱ هرچند برخی از این اهداف با اهداف نظریه‌پردازان در حکومت‌های دیگر یکسان به نظر می‌آید اما وجه تمایز حکومت علوی علیه السلام در آن است که تمامی این اهداف در ذیل تقرب الهی انسان به عنوان هدف نهایی، نظام یافته است. لذا برای وصول به این اهداف میانی هر وسیله‌ای نمی‌تواند استخدام شود.

دقت در چرایی انتخاب ابزارهای گزینش شده از سوی امام در عرصه سیاسی، و نیز پی بردن به دلیل تکرار این مدل از گزینش، و نیز واریسی دلیل ترک دیگر ابزارهای موجود، می‌تواند معیار خوبی در استخراج اصول از سیره امام علی علیه السلام باشد. گاه دلیل گزینش انجام شده در سخنان امام آمده؛ و گاه بر عدم انجام امری تأکید ویژه شده و یا نسبت به انجام آن توبیخ شدید شده است. بنابراین برای استخراج اصول باید کنش و یا واکنش‌های ایجابی یا سلبی امام هر دو مورد بررسی قرار گیرند، و با چینش و مقایسه بین آنها به برخی اصول دست یافت. علاوه بر آن دست یافتن به منطق چرایی رفتارهای به ظاهر متعارض از سوی امام علیه السلام نیز می‌تواند ما را در دستیابی به برخی دیگر از اصول یاری رساند. بر این مبنا در این تحقیق چهار اصل استخراج شده است:

۱. اصل اخلاق محوری در استخدام وسیله

منظور از اخلاق محوری در استخدام وسیله، چگونگی نسبت اخلاق با سیاست‌ورزی و نظامی‌گری است.

۱. نهج البلاغه، خ ۴۰ و ۱۳۱ و ن ۵۳.

یعنی آیا برای رسیدن به اهداف سیاسی و یا نظامی می‌توان از رفتارهای ضد اخلاقی بهره جست؟ در زمان تزاخم بین اهداف بلند سیاسی و نظامی و بین اصول اخلاقی، آیا وصول به هدف می‌تواند به دلیل مزایا و آثار مهمی که دارد با استفاده از وسیله‌ای غیر اخلاقی انجام شود؟ و ... گزارشات سیره سیاسی امام علی علیه السلام به خوبی بیانگر آن است که از میان چهار نظریه مشهور درباره نسبت اخلاق با سیاست - یعنی نظریه جدایی اخلاق از سیاست؛ نظریه تبعیت اخلاق از سیاست؛ نظریه اخلاق دو سطحی و نظریه یگانگی اخلاق و سیاست^۱ - نظریه عینیت اخلاق و سیاست و اخلاقی بودن وسیله بر رفتار امام علیه السلام قابل تطبیق می‌باشد. همانگونه که امام درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمود: «حق را فقط با حق، اظهار و اعلام می‌داشته است»^۲. اصل اخلاق محوری را می‌توان با توجه به سیره ایجابی و سلبی امام در نمونه‌هایی مانند عناوین ذیل استخراج نمود:

یک. پایبندی به عهد و پیمان

علاوه بر اینکه امام کارگزارانش را از وعده و تعهدهایی که توان یا اطمینان انجامش را نداشتند برحذر می‌داشت،^۳ بر ملتزم بودن به پیمان - و لو به دشمن - تا سر حد سپر ساختن جان، تأکید می‌ورزید. چرا که خلف وعده را مایه خشم خدا و دشمنی مردمان می‌دانست.^۴ امام پس از بیعت با خلفاء - که نوعی تعهد سپردن بر عدم خیانت و پرهیز از کارشکنی بود - نه تنها هیچ اقدامی علیه خلافت آنان نداشت بلکه نسبت به پیشنهاد دیگر افراد در اقدام علیه آنان نیز بی توجه بود؛ مانند بی اعتنایی حضرت نسبت به پیشنهاد عمروعاص علیه عثمان بعد از عزل او از مصر.^۵ حتی امام در زمان رویگردانی اعضاء شورا از عثمان و شکستن پیمانشان با او و شرکتشان در حلقه محاصره کنندگان خانه او چنین نکرد. این در حالی بود که حضرت با توجه به شرایط موجود می‌توانست از نیروی اعتراضات مردمی که در ابتدا به نزد ایشان آمده بودند استفاده کند^۶ و با عزل وی به مفساد او پایان داده و کار حکومت را به دست گیرد. امام در دوره حکومتش نیز پایبندی به تعهدات سیاسی را نیز بر خود و دیگران لازم می‌شمرد. و در

۱. اسلامی، «نسبت اخلاق و سیاست؛ بررسی چهار نظریه»، *فصلنامه علوم سیاسی*، ش ۷، ص ۱۶۲ - ۱۴۱.

۲. *نهج البلاغه*، خ ۷۲.

۳. خوانساری، *شرح غرر الحکم*، ج ۲، ص ۱۷۲؛ لیبی واسطی، *عیون الحکم و المواعظ*، ص ۵۱۹.

۴. *نهج البلاغه*، نامه ۵۳.

۵. طبری، *تاریخ الامم و الملوک*، ج ۳، ص ۳۹۲؛ ابن اثیر، *الکامل*، ج ۳، ص ۱۶۳؛ ابن عساکر، *تاریخ مدینه دمشق*، ج ۵۵، ص ۲۶؛ مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۳۱، ص ۲۹۱؛ محمودی، *نهج السعادة*، ج ۲، ص ۶۲؛ عاملی، *الصحيح من سيرة الامام علی علیه السلام*، ج ۱۷، ص ۳۳۹ - ۳۳۸.

۶. ابن اعثم، *الفتوح*، ص ۳۶۲ - ۳۵۸.

واکنش به یارانی که خروج از تعهدنامه تحمیلی حکمیت را خواستار بودند فرمود: «آیا بعد از آنکه آنرا نوشتیم نقض کنیم؟! چنین عملی حلال نیست».^۱ لذا پابندی خود را تا زمان نقض پیمان از سوی معاویه حفظ نمود؛^۲

دو. ترک خدعه و مکرورزی در عرصه غیر نظامی

بعد از رحلت پیامبر ﷺ استخدام این وسیله در دنیای سیاست آن قدر رونق یافت که به عنوان نشانه سیاست‌دانی، مورد توقع مردم بود. به طوری که مردم، امام علی علیه السلام را در مقایسه با معاویه به ضعف در سیاست متهم می‌کردند. اما امام علیه السلام با بیان آشنایی خود با انواع خدعه و نیرنگ، به وجود خط قرمزهای دینی و الهی در این موضوع اشاره می‌نمود، و پابندی خود به دین و مؤلفه‌های اخلاقی را دلیل عدم به‌کارگیری این ابزار معرفی می‌نمود.^۳ امام علیه السلام در موقعیت‌های متعددی، می‌توانست با خدعه و نیرنگ، حکومت را از خلفاء بگیرد تا پس از آن به ترویج فرهنگ ناب اسلامی و در ادامه روند اصلاحی پیامبر ﷺ به پرورش فکری و روحی مردم و خروج‌شان از جاهلیت بپردازد. قبول دروغین شرط عبدالرحمن بن عوف در شورای شش نفره، یا زدوبندهای سیاسی با او قبل از رای نهایی این شورا، توفیق دستیابی به حکومت را برای امام علیه السلام فراهم می‌ساخت. همچنین مهار و کنترل برخی عناصر موثر و البته تشنه مقام و منصب برای جلوگیری از هجوم یکباره آنان به حکومت، یکی از ضروری‌ترین مسائل بود که می‌توانست با ابزارهایی همچون ترور، تطمیع یا مشغول‌سازی آنان به خود نهایتاً به حذف آرام ایشان ختم شود. لذا وقتی گروهی خواستار ابقاء موقت برخی کارگزاران عثمان و سپس عزل آنها شدند، فرمود: «نتیجه مکر و خدعه و پیمان شکنی آتش جهنم است».^۴ نیز در پاسخ به همین پیشنهاد از سوی مغیره این عمل را سازش‌کاری در دین خواند و قاطعانه خود را از کاربست چنین ابزاری دور می‌دانست.^۵ ابقاء موقت معاویه نیز که از نظر برخی سیاسیون مانند ابن عباس و مغیره می‌توانست به ثبات اولیه حکومت امام کمک کند و زمینه برکناری راحت تر وی را در آینده نزدیک فراهم سازد - علی‌رغم تعهد ابن عباس به عزل او^۶ - نیز

۱. منقری، *وقعة الصفین*، ص ۲۴۶؛ دینوری، *اخبار الطوال*، ص ۱۹۷؛ ابن‌ابی‌الحدید، *شرح نهج البلاغه*، ج ۲، ص ۲۳۹؛ مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۳۲، ص ۵۴۵.

۲. طبری، *تاریخ الامم والرسول والملوک*، ج ۵، ص ۷۲؛ ابن‌جوزی، *المنتظم*، ج ۵، ص ۱۲۹؛ ابن‌اثیر، *الکامل*، ج ۳، ص ۳۳۴؛ نویری، *نهاية العرب*، ج ۲۰، ص ۱۶۴؛ ابن‌کثیر، *البدایة و النهایة*، ج ۷، ص ۳۱۵.

۳. حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۱۲، ص ۲۴۲؛ مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۴۱، ص ۱۰۹.

۴. منسوب به مفید، *الاختصاص*، ص ۱۵۰.

۵. طبری، *تاریخ الامم و الرسول و الملوک*، ج ۵، ص ۱۶۰.

۶. مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۲، ص ۳۵۶؛ طبری، *تاریخ الامم و الرسول و الملوک*، ج ۴، ص ۴۴۱.

مورد استفاده امام علیه السلام قرار نگرفت.^۱ همچنین مشغول ساختن طلحه و زبیر در بهره‌گیری از ثروت کوفه و بصره می‌توانست از خطر احتمالی ایشان برای حکومت امام، جلوگیری کند. علاوه بر اینکه امام می‌توانست پس از سپردن امارت به آنان،^۲ آن دو را به پیکار با معاویه بفرستد تا در صورت پیروزی و یا شکست، یکی از دو رقیب کنار زده شوند.^۳ همه اینها خدعه‌هایی بود که می‌توانست به‌عنوان وسیله مورد استفاده امام قرار گیرد اما به‌دلیل غیر اخلاقی بودن مورد گزینش ایشان نبود.

در عرصه نظامی نیز با وجود فرصت برای ادامه روند فتوحات،^۴ امام علیه السلام حاضر نشد از طریق ادامه فتوحات و مشغول ساختن مردم به جمع‌آوری غنیمت، بحران‌ها و فسادهای داخلی را ساکت کند. یا حداقل از پیوستن آنان به سران مخالفین حکومتش جلوگیری نماید. چرا که برخی از همین مردم به‌دلیل نداشتن دستاوردهای معیشتی جنگ‌های داخلی، از همراهی با ایشان خودداری می‌کردند.^۵ بنابراین امام از استخدام وسایل غیر اخلاقی پرهیز داشت چرا که ابزارهای غیر اخلاقی نمی‌توانست هدف نهایی امام را قابل دستیابی نماید هر چند هدف میانی یعنی دستیابی به قدرت یا برقراری امنیت و ... را مهیا می‌ساخت.

۲. شریعت‌مداری در استخدام وسیله

منظور از شریعت‌مداری در استخدام وسیله، اهتمام‌ورزی به فقه و تمامی احکام مرتبط با آن اعم از احکام تکلیفی، احکام وضعی و ... برای وصول به اهداف است. به این معنا که ابزار به‌کار گرفته شده برای وصول به هدف نباید حرام شرعی باشد و یا نباید ترک واجب را موجب شود. باتوجه‌به آنکه احکام تابع مصالح و مفاسدند؛^۶ بی‌اعتنایی به آنها یعنی فاصله گرفتن از اهداف میانی و نهایی حوزه‌های مختلف دین. لذا وصول به اهداف صرفاً باید بر اساس ابزارهای توصیه شده از سوی شارع دنبال شود؛ و تقدس اهداف نمی‌تواند استفاده از وسایل نامشروع را توجیه نماید. چرا که خودِ وسایل به‌دلیل مصلحت و یا مفسده‌ای که در درون خود دارند

۱. ابن‌اثیر، *الکامل*، ج ۳، ص ۱۹۸، «لا کان هذا و الله».

۲. *نهج البلاغه*، حکمت ۲۰۲.

۳. البته خدعه در عرصه نظامی به‌عنوان تاکتیکی معقول و مشروع برای جلوگیری از هزینه‌های بیشتر جانی و مالی و ... مورد استفاده امام بوده است که غیر اخلاقی نیست. توضیح بیشتر در ادامه بحث.

۴. ر. ک: خضری و سیدی، «ایستایی فتوح به دوران خلافت امام علی علیه السلام؛ چرا و چگونه؟»، *مطالعات تاریخ اسلام*، ش ۲۵، ص ۵۰ - ۳۳. نویسنده در این مقاله بیان می‌دارد راهبرد امام بر ادامه فتوحات نبوده و گرنه فرصت آن را داشته است.

۵. مانند مصلحه بن هبیره شیبانی. درباره علت گریز وی نک: طبری، *تاریخ الامم و الملوک*، ج ۵، ص ۱۳۰ - ۱۲۶؛ نیز: یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۲۰۲ - ۲۰۱.

۶. اصفهانی، *هدایه المسترشدين*، ص ۲۱۱؛ انصاری، *فرائد الاصول*، ص ۲۷۳؛ خراسانی، *کفایه الاصول*، ج ۲، ص ۲۳۲.

هدف را قابل دسترس می‌کنند یا آن را از دسترس دور می‌سازند.^۱ لذا مبنای عمل امام علیه السلام هم همین بود. به‌عنوان مثال امام برخلاف خلفاء قبل، چه در جمع‌آوری اموال مربوط به بیت‌المال و چه در تقسیم و توزیع آن از دایره شرع و سنت نبوی خارج نشد. علی علیه السلام می‌توانست با خشونت تمام همچون خلیفه اول به جمع‌آوری زکات بپردازد و بدین‌گونه خزانه بیت‌المال را برای تأمین مصارف حکومتی خود مانند جنگ‌ها، عمران و آبادی و برای سایر اهداف مقدس دینی پر کند. اما امام در توصیه به مسئولان جمع‌آوری زکات، مسائلی همچون کسب اجازه در هنگام ورود، وارد نشدن در محدوده اموال، به اندازه گرفتن (نصاب مشخص) و مواردی از این قبیل را سفارش می‌نمود.^۲ نیز حضرت بر بازپس‌گیری اموال غارت شده بیت‌المال تأکید ویژه نمود^۳ و درحالی‌که می‌توانست سیاست‌های مالی خود و اقدام بر اساس سنت پیامبر صلی الله علیه و آله را در مورد مسائل مربوط به گذشته دنبال نکند و صرفاً از ادامه روند آن جلوگیری به عمل آورد تا دشمنی برخی مخالفان را برنیاگزیزاند، اما چنین نکرد. در همین راستا بنا به اذعان مسعودی، علی علیه السلام زمین‌هایی را که عثمان در صدر اسلام به دیگران بخشوده بود از آنان بازستاند^۴ و در پاسخ به افرادی مانند مروان بن حکم، سعید بن عاص و ولید بن عقبه که قبلاً اموالی از بیت‌المال را به یغما برده بودند - و هنگام بیعت با ایشان، شرط کردند که آنچه از اموال و املاک در دست دارند، به آنان ببخشد - فرمود: «بر من روا نیست که از حق الله تعالی درگذرم؛ ... هر آنچه که برای خدا و مسلمانان باشد، عدالت فراگیرتان خواهد بود».^۵ لذا با وجود آنکه می‌توانست از توجیهاتی شرعی مانند «مولفة قلوبهم» در جهت آرام کردن آنها استفاده کند؛ می‌فرمود: «به خدا اگر باقی بمانم حتماً آنان را بر برهان روشن و مسیر آشکار قرار خواهم داد».^۶ حتی امام در واکنش نسبت به پیشنهاد تبعیض در پرداخت به برخی افراد برای حفظ حکومتش می‌فرمود: «مرا فرمان می‌دهید تا پیروزی را به ستم کردن درباره آنکه والی اویم بجویم؟ ...»^۷ به‌همین جهت فضیل بن جعد، مهم‌ترین عامل عدم حمایت اعراب از علی علیه السلام را در دوری ایشان از تبعیض غیر مشروع می‌داند.^۸

در عرصه قضایی نیز با وجود آنکه امام می‌توانست مخصوصاً در دوره حکومتی‌اش به‌عنوان خلیفه و

۱. برگرفته از علی‌دوست، *فقه و مصلحت*، ص ۲۴۶ - ۲۳۴.

۲. *نهج البلاغه*، ن ۵۳.

۳. همان، خ ۱۵.

۴. مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۲، ص ۳۶۲.

۵. یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۱۷۹ - ۱۷۸.

۶. همان، ص ۳۸؛ *مجلسی، بحار الأنوار*، ج ۳۲، ص ۱۸.

۷. *نهج البلاغه*، خ ۱۲۶.

۸. ابن‌ابی‌الحدید، *شرح نهج البلاغه*، ج ۱، ص ۱۷۹.

قاضی القضاة علیه مخالفین، قضاوت نابجایی داشته باشد و یا علیه آنان اجتهاداتی از سنخ اجتهادات خلفاء قبل ابراز بدارد، و به این صورت برخی از اهداف حکومتی‌اش را با سرعت بیشتری به پیش ببرد و یا افراد و گروه‌هایی که در مسیر دستیابی به اهدافش مانع‌تراشی می‌کردند را از سر راه بردارد - مانند آنچه خلیفه اول در توسعه معنای ارتداد برای مخالفین خود انجام داد - اما چنین نکرد و در این موارد خود را ملتزم به احکام و قوانین قضایی شریعت می‌دانست. امام بر اجرای حدود الهی حتی در مورد دوستانش اصرار فراوان داشت و اعتراض طارق بن عبدالله نه‌دی در اجرای حد شراب بر نجاشی حارثی را نپذیرفت.^۱

در عرصه جهاد نیز حضرت از استخدام وسایل ظالمانه پرهیز داشت. لذا به فرماندهان خود در مسیر صفین سفارش کرد نباید هیچگونه تعدی و تعرضی به جان و مال مردم صورت گیرد. نیز در هنگامه اعزام جاریه بن قدامه برای تقابل با غارتگری‌های بسر بن ابی‌ارطاه، او را از غصب چهارپایان و دست‌اندازی به آب‌های مردم بر حذر داشت و فرمود: «... هیچ شتر و چهارپایی را غصب مکن اگر چه برهنه‌پا و پیاده حرکت کنی، آب‌های مردم را متعلق به خود مکن و جز با رضایت خاطر آنها از آب منوش».^۲ امام استفاده لشکریان از زراعت مردم را جز با رضایت آنان مجاز نمی‌دانست، مگر در حال اضطرار آن هم به اندازه رفع نیاز. حضرت این نوع رفتارها را خلاف رضایت الهی و مانع استجاب دعا می‌دانست.^۳ نیز به خراج‌گیران و فرمانداران شهرهایی که سپاه اسلام از آنها می‌گذشت سفارش اکید فرمود تا به‌طور دقیق بر رفتار سپاهیان با مردم ساکن در مسیر جنگ نظارت داشته باشند تا حتی نسبت به اهل ذمه آن مناطق نیز ظلم و تعدی نشود.^۴ همچنین علی‌رغم نیاز حکومت امام علیه السلام به غنایم جنگی و پشتوانه‌های مالی، و نیز توقع یارانش در بهره‌گیری از غنایم، از آن جهت که معارضین، طائفه‌ای از مسلمانان باغی بودند، اجازه نداد جز در مورد سلاح‌ها و ابزارهای جنگی چیز دیگری را به‌عنوان غنیمت ببرند.^۵ در پیکار تحمیلی نهروان نیز، امام هرگونه غنیمت دانستن اموال و کنیزان نهروانیان را ممنوع دانست و فرمود تنها شمشیر ایشان را بگیرند تا مبادا دوباره فساد کنند.^۶ در صفین نیز فرمود: «... هنگامی که به سراپرده این گروه رسیدید پرده دری نکنید، به خانه‌ها وارد نشوید و چیزی از اموالشان مستانید مگر آنچه در لشکرگاه یافتید...».^۷

۱. ثقفی کوفی، *الغارات*، ج ۲، ص ۵۳۳؛ صنعانی، *المصنف*، ج ۷، ص ۳۸۲؛ ابن حجر عسقلانی، *الاصابه*، ج ۶، ص ۳۸۷.

۲. ثقفی، *الغارات*، ج ۲، ص ۶۲۸.

۳. منقری، *وقعة الصفین*، ص ۱۷۶ - ۱۷۵.

۴. ابن اثیر، *الکامل*، ج ۱۰، ص ۱۴۲؛ ابن ابی‌الحدید، *شرح نهج البلاغه*، ج ۶، ص ۱۴۳.

۵. مفید، *الجمال*، ص ۴۰۵.

۶. مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۲، ص ۴۰۷.

۷. کلینی، *الکافی*، ج ۵، ص ۳۹؛ منقری، *وقعة الصفین*، ص ۲۰۴؛ *نهج البلاغه*، ن ۱۴؛ مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۳۲، ص ۵۳۶.

۳. اصل مصلحت‌سنجی در استخدام وسیله

توجه به شرایط و اقتضائات زمانی یا همان مصلحت‌سنجی نیز به‌عنوان یکی دیگر از شاخص‌های ضروری ابزارگزینی است. چه بسا وسیله‌ای که بر مدار شرع و اخلاق باشد اما چون برخلاف مقتضای مصلحت زمان و مکان و شرایط موجود بوده، اهداف را دست‌نیافتنی و یا دور از دسترس قرار دهد. البته استفاده از عنصر مصلحت به معنای عافیت‌طلبی و استفاده از مقدمات غیر مشروع و ناروا نیست. بلکه مصلحت در گستره شریعت و به غرض تامین اهداف شریعت و اولویت‌گذاری در مقام تزامم احتمالی در اجتماع دو مقوله شرعی، جعل شده است.^۱ که با تقدم اهم بر مهم به سرانجام می‌رسد. لذا شناخت اولویت‌بندی میان اهداف میانی برای وصول به هدف نهایی بسیار ضروری است. به عبارت دیگر پس از چینش سلسله اهداف میانی و مشخص شدن وجه اهمیت هر کدام نسبت به دیگری است که می‌توان در بزنگاه‌های تزامم اهداف، به انتخاب درست وسیله پرداخت.

به‌عنوان مثال امام برای اصلاح برخی از بدعت‌های به وجود آمده توسط خلفاء اقدام ضربتی را به صلاح نمی‌دانست و معتقد بر اصلاح، بر فرض وجود شرایط لازم بود.^۲ در واقع امام در میان تزامم بین «حفظ نظام اسلامی و وحدت اسلامی» با «تأخیر در اصلاح بدعت‌ها» قرار داشت. و چون رفع ضربتی بدعت‌ها شورش در لشکر و تفرقه و فروپاشی حکومت و نظام اسلامی را موجب می‌شد^۳ تا فراهم شدن زمینه‌های لازم، تغییرات اساسی را در موردشان به تأخیر انداخت. لذا تحمل موقتی آن بدعت‌ها، برای حفظ نظام، از باب تزامم و اهم و مهم، مجاز و معقول بود.^۴ لذا می‌فرمود: «اگر از این فتنه‌ها و لغزشگاه‌ها با قدرت بگذرم، دگرگونی‌های بسیار پدید می‌آورم».^۵ و نیز می‌فرمود: «اگر محنت آزمایش از ما و این مردم برداشته شود آنان را به راهی می‌برم که سراسر حق است».^۶ البته امام با شمارش بدعت‌های خلفاء، علاوه بر اعلام موضع خود، در پی زمینه‌سازی‌های لازم برای آمادگی افکار مردم بود تا در زمان مناسب با آرام شدن اوضاع، به اصلاح آنها نیز پردازد. در هر صورت وحدت سپاهیان مایه اقتدار و غلبه سریع‌تر و قاطع‌تر بر دشمن بود.

همچنین ابقاء تعدادی از قضات زمان عثمان که برخی‌شان پیش از این در دوره شیخین نیز امر قضاوت را برعهده داشتند با هدف حفظ وحدت در جامعه انجام شد؛ چرا که عزل آنان موجب جبهه‌گیری

۱. ر. ک: ایزدهی، *مصلحت در فقه سیاسی شیعه*، ص ۱۷۳ - ۱۷۰؛ علیدوست، *فقه و مصلحت*، ص ۷۳ - ۶۵.

۲. البته امام برخی دیگر از بدعت‌ها را با شدت تمام اصلاح فرمود.

۳. کلینی، *الکافی*، ج ۸، ص ۵۸.

۴. با استفاده از مقاله «تحلیل رفتار واقع‌گرایانه در سیره علوی (ع)»، حسن صادقیان.

۵. *نهج البلاغه*، ج ۲۷۲.

۶. همان، خ ۱۶۲.

مردم در مقابل امام علیه السلام می شد. لذا حضرت به عبیده سلمانی قاضی فرمود: «همانگونه که تا به حال قضاوت می کردید، قضاوت کنید که من از تفرقه اکراه دارم»^۱. نیز امام با توجه به اینکه انتصاب شریح کندی، موجب همبستگی جمع فراوان قبیله کنده و حلفای آنها می شد^۲ با اصرار مردم^۳ وی را انتصاب فرمود. و در تراجم بین «شایسته سالاری» و «حفظ انسجام» حکومت نوپای اسلامی همانطور که شیخ مفید بیان کرده^۴ انسجام را اهم دانست.

توجه به این نکته لازم است که اینان با کارگزاران عثمان و از جمله معاویه که از منظر امام گمراه کننده بودند و قدرت بر گمراه کردن دیگران را داشتند متفاوت بودند^۵ علاوه بر این، امام بر قضاوت قاضیان نظارت داشت و با شریح شرط کرد تا داوری هایش را تنها با اطلاع ایشان به اجراء در آورد. ^۶ لذا اجازه امام بر قضاوت آنان صرفاً پیرامون اصل منصب قضاوت بود و نه کیفیت قضاوت کردن.^۷

۴. اصل اولویت‌دهی و مرحله‌بندی در استخدام وسیله

دستیابی به هر هدفی بدون پرداخت هزینه آن ممکن نخواهد بود. هر هدفی با توجه به اهمیت آن یک هزینه مجاز دارد به این معنا که وصول به آن با محاسبات و برنامه‌های انجام شده از یک میزان خاصی نباید بیشتر باشد. با این وجود به نظر می‌رسد هدف‌گذار می‌تواند با توجه به توانایی‌های خود و با تغییر برخی شرایط و با مدیریت صحیح، هزینه را به کمترین مقدار ممکن برساند. بی‌شک عقل حکم می‌کند که از بین سایر گزینه‌های موجود در راهیابی به مقصد، از آن ابزاری که کمترین هزینه را در پی دارد استفاده شود. مراد از هزینه بنا بر مقصد مورد نظر می‌تواند شامل هزینه‌های جانی، مالی، عرضی، دینی و ... باشد. این هزینه‌ها ممکن است به صورت مستقیم یا غیر مستقیم متوجه اهداف شود. گاهی وسایل

۱. ثقفی کوفی، *الغارات*، ج ۱، ص ۱۲۳؛ بخاری، *صحیح البخاری*، ج ۴، ص ۲۰۸؛ خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*، ج ۸، ص ۴۲؛ ابن‌وکیع، *اخبار القضاة*، ج ۲، ص ۳۹۹؛ مفید، *الفصول المختارة*، ص ۲۲۱؛ طوسی، *تهذیب الاحکام*، ج ۹، ص ۲۵۹؛ اربلی، *کشف الغمه*، ج ۱، ص ۱۳۶.

۲. کحاله، *معجم قبایل عرب*، ج ۳، ص ۹۹۸.

۳. مجلسی، *تذکرة الائمة*، ص ۵۸.

۴. مفید، *الفصول المختارة*، ص ۷۸. در واقع امام با استناد به آیه «وَمَا كُنْتُمْ تُخِذُ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا» (کهف / ۵۱) گمراه کنندگان را به کمک نمی‌گیریم» کارگزاران را به دو دسته گمراه کننده و گمراه شده تقسیم می‌فرمود و استفاده از دسته اول را به دلیل قدرت بر گمراه کردن جایز نمی‌دانست. برخلاف دسته دوم که امکان هدایت شدنشان وجود داشت.

۵. ابن‌اثیر، *الکامل*، ج ۳، ص ۱۹۷ - ۱۹۸؛ یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۱۲۶.

۶. کلینی، *الکافی*، ج ۷، ص ۴۰۷ و ۴۱۲؛ صدوق، *من لایحضره الفقیه*، ج ۳، ص ۱۶؛ طوسی، *تهذیب الاحکام*، ج ۶، ص ۲۱۷ و ۲۲۶؛ حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۱۸، ص ۶.

۷. مفید، *الفصول المختارة*، ص ۲۲۱؛ مبلغی، «هدف و وسیله»، *دانشنامه امام علی علیه السلام*، ج ۶، ص ۴۰۳.

انتخاب شده ممکن است هزینه‌هایی را تحمیل کنند که آثار و تبعات آن تا مدت‌ها باقی بماند و چه بسا آثار آن، دیگر اهداف همخوان را نیز تحت‌تأثیر قرار دهد. گاهی ممکن است در بدو به کارگیری وسیله یا وسایلی، این آثار به چشم نیاید یا آنچنان که هست با اهمیت جلوه نکند و در درازمدت تبعات خود را نشان دهد. به خصوص در صورتی که این اهداف، جزء اهداف جمعی و گروهی باشند، عدم دقت در وسیله‌یابی، هزینه بیشتری را برجای خواهد گذاشت. در مقابل نیز ممکن است آثار مثبت غیر مستقیم در انتخاب وسیله‌ای خاص نیز آنچنان که برای هدف‌گذار روشن است برای دیگران مشهود نباشد و به وسیله‌یابی او خرده بگیرند، که در این موارد روشنگری و قانع‌سازی دیگران نیز جزء هزینه‌ها خواهد بود. بنابر قاعده «برتری هدف بر وسیله» که در تمام مراحل و اطوار حیات انسانی ثابت و استثناء‌ناپذیر است، هدف حتماً باید بتواند جبران‌کننده وسیله‌ای باشد که از دست رفته، به اضافه امتیازی که بتواند قیمت تکاپو و اقدام در جهت رسیدن به آن را جبران نماید. در واقع باید دست‌یافته‌ها، نسبت به از دست‌داده‌ها بیشتر باشد؛ بنابراین گزینش و استخدام وسایل کم‌هزینه‌تر باید در اولویت باشد.

در سیره سیاسی و نظامی امام علی علیه السلام اولویت‌بندی و مرحله‌بندی بین وسایل به‌وضوح وجود داشت. به‌عنوان نمونه حضرت در مورد شهروندانی که به قوانین پایبندی نداشتند خشونت مرحله‌ای را نسبت به شهروند مجرم توصیه می‌کرد و می‌فرمود: «اگر کرامت‌ورزی فایده نداشت اهانت محکم‌تر است. و اگر شلاق به نتیجه نرساند شمشیر شکننده‌تر است»^۱. از همین‌رو به کارگزارانش رفتار شدید با ظالم و فاجر را دستور می‌داد.^۲ این جملات امام بیانگر آن است که روش امام برای اجرای قوانین دینی و حکومتی روشی بر مبنای طی مراحل از سبک به سخت بوده است. روش کرامت‌ورزی با شهروندان، در اولویت انتخاب امام از بین دیگر وسایل برای دستیابی به اهداف مختلف حکومت است. که هر چند زمان‌بر است اما ماندگاری آن عمیق‌تر و فایده‌ای که از این روش می‌توان داشت بسیار بیشتر خواهد بود. علاوه بر آنکه یکی از اهداف مهم دین نیز تربیت انسان و رشد اوست.

امام در برابر مخالفانش نیز معتقد بود تا آنجا که ممکن است نباید دست به شمشیر شد و نباید خون‌ریزی کرد. لذا می‌فرمود: «آخرین راه درمان، داغ کردن است»^۳. لذا مرحله به مرحله ابزارهای متناسب را پیش می‌گرفت و در صورت عدم دستیابی به هدف، سراغ ابزار دیگر می‌رفت. به‌همین جهت در مواجهه جمل، ابتدا با نگارش نامه به طلحه و زبیر و در مرحله بعد با اعزام پیک‌هایی جهت جلوگیری از

۱. آمدی، *محرر الحکم*، ص ۲۹۴، ش ۱۹۲.

۲. *نهج البلاغه*، ن ۴۱ و ۴۷، خ ۱۳۶؛ طبری، *تاریخ الامم*، ج ۵۳، ص ۶۷.

۳. همان، خ ۱۶۸.

جنگ، تلاش نمود. همچنین با سخن رودرو با ایشان قبل از شروع جنگ تلاش کرد تا از ریخته شدن خون مردم و نیز از فتنه ای که می توانست تبعات فراوان دیگری داشته باشد جلوگیری کند. چرا که این جنگ علاوه بر آنکه می توانست مورد سوءاستفاده معاویه قرار گیرد و تبلیغات منفی او را علیه امام افزایش دهد و امام را به عنوان قاتل اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی نماید و تهمت از صحنه خارج کردن رقبای شورایی امام را تقویت کند، موجب ضعف سپاه امام و عدم آمادگی کامل آنان برای تمرکز بر رویارویی با معاویه می شد. علاوه بر آنکه می توانست تفکر عدم مشروعیت حکومت امام را توسعه بخشد.

همچنین نامه نگاری با معاویه و تلاش در بیعت گرفتن از وی و مجاب کردنش برای کناره گیری، اولین مرحله و وسیله ای بود که امام برای عزل او به کار بست.^۱ در مرحله بعد اعزام جریر بن عبدالله^۲ و در نهایت تهدید او به جنگ.^۳ در میدان جنگ نیز پس از امتناع معاویه از رویارویی مستقیم با ایشان،^۴ جنگ با همان تاکتیک قبل ادامه یافت. نکته قابل توجه آنکه امام برای نتیجه گرفتن گفتگوی جریر با معاویه و جلوگیری از جنگ و خونریزی، حدود ۱۲۰ روز منتظر ماند هر چند در این مدت معاویه به تجهیز سپاهش پرداخت، اما در مقایسه با هزینه کشتار، این صبر ضروری می نمود و ابزاری بود که در اولویت بالاتر بود. به عبارت دیگر در اینجا امام در دوران بین «از دست دادن زمان و احتمال بهره بردن معاویه از زمان مذاکره به نفع خود»، و بین «مراقبت از زمان و شروع حرکتی ضربتی همراه با کشتار»، ترجیح را بر گزینه اول می بیند، چون هزینه جنگ و کشتار زیاد بود و کناره گیری معاویه با حضور فردی مانند جریر نیز محتمل بود و طبعاً هزینه ای بسیار پایین داشت.

در عرصه نظامی نیز امام عملیات فریب - که به عنوان تاکتیکی پذیرفته شده از سوی همه نظامیان برای پیروزی سریع تر بر جبهه مخالف با کمترین هزینه می باشد - را به کار گرفت. مسعودی جمله معروف «الْحَرْبُ خُدْعَةٌ»^۵ که از پیامبر صلی الله علیه و آله و در سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام نیز بارها تکرار شده را چنین توضیح می دهد: «از کلام بسیار کوتاه و گویای رسول خدای صلی الله علیه و آله مشخص است که قتال با شمشیر در مراحل آخر جنگ است و در مراحل ابتدایی باید از خدعه بهره برد...»^۶ به خطا انداختن دشمن با تغییر چینش سپاه،

۱. همان، ن ۷۵؛ بلاذری، *انساب الاشراف*، ج ۳، ص ۱۲؛ ابن ابی الحدید، *شرح نهج البلاغه*، ج ۱، ص ۲۳۰؛ مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۳۲، ص ۵.

۲. منقری، *وقعة الصفین*، ص ۲۷؛ مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۲، ص ۳۲۷.

۳. ابن عساکر، *تاریخ مدینه دمشق*، ج ۶۲، ص ۸۲ و ۹۲.

۴. *نهج البلاغه*، ن ۱۰.

۵. نیشابوری، *صحیح مسلم*، ج ۵، ص ۱۴۳؛ ابی داوود سجستانی، *مسند ابی داوود*، ص ۲۳۶؛ خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*، ج ۲، ص ۳۱۵؛ ابن عساکر، *الامام علی بن ابی طالب*، ج ۲۸، ص ۲۶؛ ابن کنیر، *البدایة و النهایة*، ج ۴، ص ۱۱۳.

۶. مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۲، ص ۲۹۳.

تغییر ظاهری دادن، استفاده از توریه و ... بعضی از مصادیق عملیات فریب است که در سیره نظامی امام علی علیه السلام دیده شده است. امام می‌فرمود: «در نبرد بر حیل‌ها بیشتر از نیرو و توانت اعتماد کن و به پرهیز و احتیاط خود شادمان‌تر باش تا به کارزار و دلیری‌ات»^۱. به‌عنوان مثال منقری در جریان صفین نقل می‌کند: «در یکی از روزها چنین وانمود کردند که فردا صبحگاهان به سوی معاویه خواهند رفت و پیکار را شروع خواهند کرد این خبر به معاویه و لشکریانش رسید و دچار وحشت شدند و شکسته شده و به هم ریختند»^۲. نیز عدی بن حاتم می‌گوید: در جنگ صفین حضرت علی علیه السلام با صدای بلند فریاد می‌زد: «به خدا سوگند که معاویه و یارانش را می‌کشم». سپس آهسته می‌گفت: «ان شاء الله». من نزدیک او بودم عرض کردم: یا امیرالمؤمنین علیه السلام! شما قسم خوردید. سپس از آن استثناء کردید. مقصودتان چه بود؟ فرمود: «جنگ خدعه است. من دروغگو نیستم خواستم اصحابم را بر علیه آنها تحریک و تحریض کنم تا سست نشوند و خواستار حمله به آنها باشند. اما درعین حال «ان شاء الله» گفتم تا دروغ هم نگفته باشم».

بر این اساس امام در برابر دشمن و برهم‌زنندگان امنیت جامعه، استفاده از شمشیر را به‌عنوان آخرین مرحله روا می‌دانست. اما برای هدایت مردم و شهروندان استخدام شمشیر را بر نمی‌تابید و آن را مایه فساد خود می‌دانست.^۳ همانگونه که برای حضور مردم در سپاهش به شمشیر متوسل نشد.

نتیجه

۱. چون وصول به اهداف نهایی از طریق اهداف میانی است اولاً این‌گونه اهداف باید با یکدیگر همخوان و در یک راستا باشند، لذا تعارض و تخالف بین آنها به معنای نرسیدن به هدف نهایی است. ثانیاً استفاده از وسیله‌ای که در تحقق هدف میانی موثر باشد اما با هدف نهایی در تعارض باشد نیز ممنوع است. بر این اساس ابزارهای غیر اخلاقی و غیر شرعی هر چند دستیابی به اهداف میانی را فراهم می‌ساخت — و لو برای مدتی کوتاه — در سیره سیاسی امام علی علیه السلام به استخدام در نیامد. لذا می‌توان گفت اخلاقی بودن و مشروع بودن دو اصل در استخدام وسیله است.

۱. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۱۲؛ هیثمی، مجمع الزوائد، ج ۶، ص ۲۳۷؛ عسقلانی، فتح الباری فی شرح صحیح بخاری، ج ۸، ص ۴۵۱؛ ابن‌المثنی، مسند ابی‌علی الموصلی، ج ۱، ص ۳۶۴؛ ابن‌کثیر، البدایة و النهایة، ج ۷، ص ۳۰۲.

۲. منقری، وقعة الصفین، ص ۴۶۸.

۳. طبرسی، احتجاج، ج ۱، ص ۱۷۵. «وَلَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ الَّذِي يُصْلِحُكُمْ هُوَ السَّيْفُ وَ مَا كُنْتُ مُتَّحِرِيًّا صَلَاحَكُمْ يَفْسَادِ نَفْسِي: من می‌دانم آنچه شما را اصلاح می‌کند شمشیر است اما اصلاح شما را با فاسد کردن خود انجام نمی‌دهم». در نهج البلاغه خطبه ۶۸ شبیه این جمله را چنین فرمود: «إِنِّي لَعَالِمٌ بِمَا يُصْلِحُكُمْ وَ يُقِيمُ أَوْدَكُمْ وَ لَكِنِّي لَا أَرَى إِصْلَاحَكُمْ يَأْفِسَادِ نَفْسِي: و من می‌دانم که چگونه باید شما را اصلاح و کجی‌های شما را راست کرد اما اصلاح شما را با فاسد کردن روح خویش جایز نمی‌دانم».

۲. مصلحت‌سنجی به معنای استفاده از راهکارهای خود شرع برای وصول به هدف نهایی است و به معنای فدا کردن یا توقف موقت برخی اهداف غیر مهم به پای اهداف مهم است. سیره امام آن بود تا با اهم و مهم نمودن بین موارد و یا با انتخاب اخف الضررین و یا با دفع افسد به فاسد راهیابی به هدف نهایی را ممکن سازد. لذا امام، هدف‌های مشروعی را که مانع دستیابی به هدف‌های اهم می‌شدند را حتی با انجام وسیله‌های مشروع پی نمی‌گرفت. و گاه برای نیل به اهداف حساس و بسیار مهم به ترک موقت امور واجب مبادرت می‌ورزید. بنابراین اصل مصلحت‌سنجی در استخدام وسیله مورد توجه امام علیه السلام بوده است.

۳. در مدیریت وصول به اهداف، وسیله‌ای مورد انتخاب اولیه امام بود که کمترین هزینه و بیشترین فایده را برای جامعه و حکومت اسلامی داشته باشد. لذا حضرت به مرحله بندی و اولویت بندی بین وسایل می‌پرداخت و کم‌هزینه‌ترین را به استخدام می‌گرفت.

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۳۷.
۲. ابن ابی شیبہ، عبدالله بن محمد، المصنف فی الاحادیث و الآثار، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۲۰۱۴ م.
۳. ابن الاثیر، عزالدین، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار الإحياء التراث العربی، بی تا.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ترجمه علی اکبر غفاری، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۶ ش.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ ۷، ۱۳۷۶ ش.
۶. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق محمد عبدالقادر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ ق.
۷. ابن حجر عسقلانی، شهاب‌الدین احمد بن علی، الاصابه فی تمییز الصحابه، تحقیق عادل احمد عبدال موجود و علی محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۹۹۵ م / ۱۴۱۵ ق.
۸. ابن حجر عسقلانی، شهاب‌الدین احمد بن علی، فتح الباری فی شرح صحیح بخاری، بیروت، دار المعرفه، بی تا.
۹. ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، بیروت، دار الفکر، ۲۰۰۱ م.
۱۰. ابن کثیر، عمادالدین اسماعیل، البدایه و النهایه، بیروت، دار احياء التراث العربی، ۱۹۹۸ م.
۱۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار احياء التراث العرب، ۱۴۰۸ ق.

۲۴ □ فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دوره ۱۳، زمستان ۱۴۰۱، ش ۴۹

۱۲. ابن وکیع، ابوبکر محمد بن خلف، **اخبار القضاة**، تحقیق عبدالعزيز مصطفی المراغی، بیروت، المكتبة التجارية الكبرى، الطبعة الأولى، ۱۳۶۶ ش / ۱۹۴۷ م.
۱۳. ابی داوود سجستانی، سلیمان بن اشعث، **سند ابی داوود**، قاهره، دار الحديث، ۱۳۹۸ م
۱۴. اربلی، علی بن عیسی، **كشف الغممة**، بیروت دار الأضواء، چ ۲، ۱۹۸۵ ق / ۱۴۰۵ م.
۱۵. اسلامی، سید حسن، «نسبت اخلاق و سیاست؛ بررسی چهار نظریه»، **فصلنامه علوم سیاسی**، ش ۷، تابستان ۸۳، ص ۱۶۲ - ۱۴۱.
۱۶. اصفهانی، محمدتقی الرازی النجفی، **هدایة المسترشدين فی شرح اصول معالم الدين**، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۲۰ ق / ۱۳۷۸ ش.
۱۷. انصاری، مرتضی، **فرائد الاصول**، تحقیق مؤسسة النشر الاسلامی التابعه لجماعة المدرسين، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۲۰ ق / ۱۳۷۸ ش.
۱۸. ایزدهی، سید سجاد، **مصلحت در فقه سیاسی شیعه**، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۳ ش.
۱۹. بخاری، محمد بن اسماعیل، **صحیح البخاری**، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۱ ق.
۲۰. بلاذری، احمد بن یحیی، **انساب الاشراف**، تحقیق سهیل زکار، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷ ق.
۲۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، **نور الحکم و درر الکلم**، تحقیق مصطفی درایتی، قم، مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۰۵ ق.
۲۲. ثقفی کوفی اصفهانی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد، **الفارات**، میرجلال الدین حسینی ارموی (مقدمه و حواشی)، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی، بی تا.
۲۳. حر عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعة**، قم، آل البیت، ۱۴۱۰ ق.
۲۴. خراسانی، محمد کاظم، **کفایة الاصول**، قم، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ۱۳۸۷ ش.
۲۵. خضری، سید احمد رضا، سید محسن سیدی، «ایستایی فتوح به دوران خلافت امام علی علیه السلام؛ چرا و چگونه؟»، **مطالعات تاریخ اسلام**، تابستان ۱۳۹۴، ش ۲۵، ص ۵۰ - ۳۳.
۲۶. الخطیب البغدادی، احمد بن علی، **تاریخ بغداد**، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق.
۲۷. دینوری، ابن قتیبه، **اخبار الطوال**، قم، شریف رضی، ۱۳۶۳.
۲۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **مفردات ألفاظ القرآن**، الطبع الاول، المیمنیة، مصر، ۱۳۲۴ ق.
۲۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **مفردات ألفاظ القرآن**، بیروت، دار الشامیة، ۱۴۱۲ ق.

- ۲۵ □ اصول حاکم بر استخدام وسیله در سیره سیاسی امام علی علیه السلام ۲۵
۳۰. رشاد، علی اکبر، **دانشنامه امام علی علیه السلام**، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰ ش، مقاله «هدف و وسیله»، احمد مبلغی.
۳۱. زبیدی واسطی، سید مرتضی، **تاج العروس من جواهر القاموس**، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ ق / ۱۹۹۴ م.
۳۲. سید رضی، محمد بن حسین، **نهج البلاغه**، ترجمه محمد دشتی، تهران، ابرار، چ ۱، ۱۳۸۴ ش.
۳۳. صاحب بن عباد، **المحیط فی اللغة**، الصحاح اسماعیل بن عباد، قم، عالم الكتاب، ۱۴۱۲ ق.
۳۴. صنعانی، ابوبکر عبدالرزاق بن همام، **المصنف**، تحقیق حبیب الرحمن الاعظمی، بی جا، بی تا.
۳۵. طبرسی، محمد بن علی، **الإحتجاج**، مشهد، مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۳۶. طبری، محمد بن جریر، **تاریخ الرسل والامم والملوک**، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، چ ۳، ۱۳۶۲.
۳۷. طریحی، فخرالدین بن محمد، **مجمع البحرین**، تحقیق احمد الحسینی، تهران، مرتضوی، ۱۳۶۲ ش.
۳۸. طوسی (شیخ)، محمد بن الحسن، **تهذیب الاحکام**، تحقیق السید حسن الخراسان، بی جا، دار الکتب الاسلامیه، چ ۴، ۱۳۶۵ ش.
۳۹. عاملی، سید جعفر مرتضی، **الصحيح من سيرة الامام علی علیه السلام**، بیروت، دار الهادی و دار السیره، ج ۴، ۱۴۱۵ ق.
۴۰. العسقلانی، أبو الفضل أحمد بن علی حجر، **الإصابة فی تمییز الصحابة**، عادل أحمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیه، الطبعة الأولى، ۱۴۱۵ ق.
۴۱. عسکری، ابوهلال أبو هلال الحسن بن عبدالله، **فروق فی اللغة**، محقق الشیخ بیت الله بیات، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۲ ق.
۴۲. علی دوست، ابوالقاسم، **فقه و مصلحت**، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ ۱، ۱۳۸۸ ش.
۴۳. فراهیدی، الخلیل بن أحمد، **کتاب العین**، قم، مؤسسة دار الهجرة، ۱۳۷۸ ق.
۴۴. فیروزآبادی، مجدالدین، **القاموس المحیط**، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۵ ق / ۱۹۹۵ م.
۴۵. الفیومی، أبو العباس، **المصباح المنیر**، بیروت، المكتبة الشاملة الحديثة، ۱۹۹۶ م.
۴۶. کحاله، عمر رضا، **معجم قبائل العرب القديمة والحديثة**، قم، ایده گستر، ۱۳۹۱ ش.
۴۷. کلینی (شیخ)، ابوجعفر محمد بن یعقوب، **الکافی**، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چ ۲، ۱۳۴۸ ش.

۴۸. کوفی ثقفی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد، **الغارات**، تحقیق جلال‌الدین حسینی ارموی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۳ ش.
۴۹. کوفی، ابن اعثم، **الفتوح**، ترجمه، محمد بن احمد مستوفی هروی، تهران، علمی و فرهنگی، چ ۲، ۱۳۷۴ ش.
۵۰. لک‌زایی، نجف، حسن صادقیان، «تحلیل رفتار واقع‌گرایانه در سیره علوی علیه‌السلام»، **حکومت اسلامی**، زمستان ۱۳۹۳، ش ۷۴، ص ۴۹ - ۲۸.
۵۱. لیشی واسطی، علی بن محمد، **عیون الحكم و المواعظ**، تحقیق حسین حسینی بیرجندی، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دار‌الحديث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۷۳ ش.
۵۲. مجلسی، محمدباقر، **بحار الأنوار**، بیروت، مؤسسة الوفاء، چ ۲، ۱۹۸۳ م / ۱۴۰۳ ق.
۵۳. مجلسی، محمدباقر، **تذکره الأئمه**، قم، نشر محمد مهدی ابن محمد صالح صحاف تبریزی، ۱۲۶۰ ق.
۵۴. محمودی، محمدباقر، **نهج السعادة فی المستدرک نهج البلاغة**، نجف، مؤسسه النعمان، ۱۹۶۸ م.
۵۵. مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، **مروج الذهب ومعادن الجوهر**، تحقیق محمد محیی‌الدین عبدالحمید، بیروت، دار‌المعرفة، م. ۱۹۴۸ / ۱۳۶۸ ق.
۵۶. مصباح، محمدتقی، **آموزش فلسفه**، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام، ۱۳۹۱ ش.
۵۷. مفید، محمد بن محمد، **الفصول المختارة**، تحقیق علی میرشریفی، قم، انتشارات کنگره شیخ مفید، ۱۳۱۴ ق.
۵۸. مفید، محمد بن نعمان، **الاختصاص**، بیروت، دار‌المفید، ۱۹۹۸ م.
۵۹. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، **الجمال**، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۶۰. منقری، نصر بن مزاحم، **وقعة الصفین**، به تحقیق عبدالسلام محمد هارون، مکتبه آية العظمی مرعشی نجفی، قم، مؤسسه العربية الحديثية، ۱۳۸۲ ق.
۶۱. نویری، احمد، **نهاية الأرب فی فنون الأدب**، بیروت، دار‌الکتب و الوثائق القومية، ۱۳۹۸ ق.
۶۲. نیشابوری، مسلم بن حجاج، **صحیح مسلم**، بیروت، دار‌الطباعة العامرة، ۱۳۳۴ - ۱۳۲۹ ق.
۶۳. واثقی، قاسم، **مدیریت اسلامی**، قم، زمزم هدایت، وابسته به پژوهشکده علوم اسلامی امام صادق علیه‌السلام، ۱۳۸۹ ش.
۶۴. یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب ابن‌واضح، **تاریخ یعقوبی**، ترجمه ابراهیم آیتی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.